

نوع مقاله : پژوهشی

قلادز ازنا؛ استحکاماتی نو یافته در گستره سرزمین‌های پارت و ساسانی و نقش آن در تجارت محلی و فرامنطقه‌ای

سیدمهدی موسوی کوهپیر^۱، بهزاد حسینی سربیشه^{۲*}، سعید امیر حاجلو^۳

چکیده

قلعه‌ها با توجه به ماندگاری، کاربری و اهمیتشان در حکومت‌های مختلف، در زمره مهمترین شواهدی هستند که در علم باستان‌شناسی به آن‌ها پرداخته می‌شود. تا به حال قلعه‌های باستانی فراوانی در محدوده قلمرو وسیع پارت و ساسانی در داخل و خارج از ایران شناسایی شده است. فراوانی این سازه‌ها در ادوار مذکور، علاوه بر جنبه‌های حفاظتی و سیاسی منطقه‌ای، به دلیل حفاظت از راه‌های ارتباطی مختلف نظیر جاده ابریشم و مسیرهای فرعی این شاهراه، در راستای توسعه تجارت در جهان باستان نیز بوده است. ازنا به عنوان یکی از دشت‌های شرق زاگرس مرکزی از مناطق مهم باستان‌شناسی محسوب می‌شود که در مسیر ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب تمدن‌های باستانی واقع گردیده است. علی‌رغم ثبت و شناسایی شمار زیادی محوطه باستانی در بازه زمانی دوران تاریخی پارت و ساسانی در دشت ازنا، تا به حال پژوهشی هدفمند بر روی این آثار صورت نگرفته و استقرارهای ادوار مذکور در ازنا ناشناخته هستند. قلعه «قلادز» مشرف بر دشت ازنا، در شرق روستای مسعودآباد قرار دارد. این قلعه طی بررسی باستان‌شناسی که توسط نگارندگان در سال ۱۳۹۹ صورت گرفت، شناسایی و یافته‌های باستانی فراوانی از جمله بقایای معماری، داده‌های سفالی و استخوانی ثبت و مستندنگاری گردیدند. هدف اساسی این پژوهش بررسی ویژگی‌های معماری، ادوار استقرار و نقش این قلعه در شبکه تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. با توجه به آثار برجای مانده از این قلعه، می‌توان ادعان نمود که ساکنان آن با شناختی کامل از زیست‌بوم منطقه و استفاده از مصالح بومی با ترکیبی از هنر صخره تراشی و مصالح سنگ و ساروج و آجر مربع شکل، سازه‌ای شاخص، عظیم و صعب العبور را در راستای رسیدن به اهدافشان ایجاد نمودند. پس از انجام گونه شناسی نسبی یافته‌های سفالی و بقایای معماری، مشخص گردید که قلادز با سایر قلعه‌های دوران پارت و ساسانی در ایران و بین‌النهرین قابل قیاس است. از طرفی مشرف بودن این قلعه بر دشت ازنا و راه‌های باستانی آن، موید اهمیت این مجموعه به عنوان یکی از ساختارهای تامین کننده امنیت و عاملی در توسعه شبکه تجارت منطقه ای و فرامنطقه ای، در میان فرهنگ‌های غرب ایران با بین‌النهرین و مناطق مرکزی ایران و نواحی شرقی تر در دوران پارت/ساسانی است.

واژه گان کلیدی: قلعه‌ها، قلادز ازنا، لرستان، تجارت، پارت/ ساسانی.

ارجاع: موسوی کوهپیر، سیدمهدی؛ حسینی سربیشه، بهزاد؛ امیر حاجلو، سعید. ۱۴۰۲. قلادز ازنا؛ استحکاماتی نو یافته در گستره سرزمین‌های پارت و ساسانی و نقش آن در تجارت محلی و فرامنطقه‌ای. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۱) : ۷۶-۱۰۱.

۱- استاد تمام گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Behzadsarbisheh@gmail.com

۳- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۳۰

مقدمه

پارتها (۲۲۰ م-۲۵۰ ق. م) و ساسانیان (۶۵۰-۲۲۰ م) به عنوان دو حکومت مقتدر ایرانی نقشی پر رنگ و مهم در جریان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان باستان در محدوده وسیعی از چین تا یونان و روم تا مصر ایفا نموده‌اند. آثار هنری و معماری بیشماری از این دو حکومت با محوریت ایران، ترکمنستان، بین‌النهرین (عراق کنونی) و سوریه تا به حال شناسایی و ثبت گردیده‌اند (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۸؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۸۴). علیرغم انجام این فعالیت‌ها، تا به حال پژوهشی در مورد دوران پارت و ساسانی شهرستان ازنا صورت نگرفته و استقرارهای این دوران در این منطقه ناشناخته هستند. بررسی باستان‌شناسی قلعه قلادز ازنا توسط نگارندگان در سال ۱۳۹۹ منجر به شناسایی یافته‌های شاخص مربوط به دوران پارت/ساسانی و دوران اسلامی گردید.^۱ در این نوشتار ابتدا تلاش گردیده که به معرفی بقایای معماری و داده‌های سفالی دوران تاریخی قلادز پرداخته و سپس با گونه‌شناسی آن‌ها به ارائه گاهنگاری نسبی این محوطه و نقش آن در بازرگانی منطقه ای و دوربرد اشاره شود.^۲

پیشینه پژوهش و روش تحقیق

محدوده زاگرس مرکزی در غرب ایران، در ادوار مختلف باستانی مورد توجه جوامع بوده است. حاکمان پارت و ساسانی نیز به اهمیت این منطقه واقف بوده‌اند و به شیوه‌های مختلف سعی در کنترل آن داشته‌اند. ازنا یکی از شرقی‌ترین دشت‌های زاگرس مرکزی محسوب می‌شود و محل تلاقی راه‌های باستانی از غرب به شرق (مسیر فلات مرکزی ایران به بین‌النهرین و عربستان) یا از جنوب به شمال بوده است (استخری، ۱۳۷۳: ۱۶۳؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵۶). از قرن دوم هجری قمری به بعد، منابع دوران اسلامی به اسامی مناطق مرتبط با حوزه جغرافیایی مورد مطالعه همچون جاپلق، کرج ابودلف، برج، قلعه دز و قلعه فرزین اشاره داشته و به ذکر وقایع مرتبط با آن‌ها پرداخته‌اند. از جمله منابع مهم دوران اسلامی که به این منطقه پرداخته‌اند می‌توان به تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، معجم البلدان یاقوت حموی، مرآت البلدان حمدالله مستوفی، تاریخ عباسی منجم یزدی، المآثر و الآثار میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه اشاره نمود (شوآرتس، ۱۴۰۰: ۵۹۵-۵۸۰). گزارش‌های باستان‌شناسی ناحیه ازنا به بررسی سال ۱۹۶۱ کایلر یانگ (Young, 1966, 1969, 1974) و مطالعات باستان‌شناسان ایرانی از سال ۲۰۰۰ م. به بعد باز می‌گردد و نتیجه این فعالیت‌ها منجر به شناسایی بیش از ۳۵۰ محوطه باستانی گردید (عبداللهی، ۱۳۹۱-۱۳۸۶؛ محمدیان، ۱۳۹۲؛ حسینی سربیشه، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸). از طرفی قلعه‌ها بخش مهمی از شواهد شناخته شده دوران پارت و ساسانی را تشکیل می‌دهند. از این‌رو در داخل و خارج از مرزهای ایران، بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی متعددی درخصوص شناخت آن‌ها انجام گردیده است. از جمله مهمترین آن‌ها، می‌توان به مطالعات میدانی در محدوده فعلی استان خراسان ایران (Ricciardi, 1980؛ میرزایی، ۱۳۸۸ الف و ب، ۱۳۹۵؛ گارازیان و همکاران ۱۳۸۹)، در دشت گرگان (Kiani, 1982؛ Bousharlat & Lecomte, 1987)، بررسی‌های باستان‌شناسی قلمرو فارس (قاسمی، ۱۳۸۹؛ گیرشمن، ۱۳۷۹: ۵۹-۶۸)، مطالعات مناطق شمال غربی ایران مازیار، ۱۳۹۸؛ عزیزاده، ۱۳۹۸؛ فون دراوستن، ۱۳۷۳: ۷۸-۵۴، پژوهش‌های محدوده آسیای مرکزی تا نواحی شمال کپه داغ (Invernizzi & Lippolis, 2008؛ Heremann & Kurabnsakhatov, 1994)، در منطقه سیستان در جنوب شرق ایران (Ghanimati, 2000؛ Stein, 1940) و استحکامات متعددی در قلمرو غربی ادوار مذکور در زاگرس و مرزهای غربی در بین‌النهرین نیز به دلیل رویارویی با امپراتوری روم اشاره نمود (محمدی فر، ۱۳۸۴؛ Bergamini, 1987؛ Huff, 1987, 2005؛ Reuther, 1939).

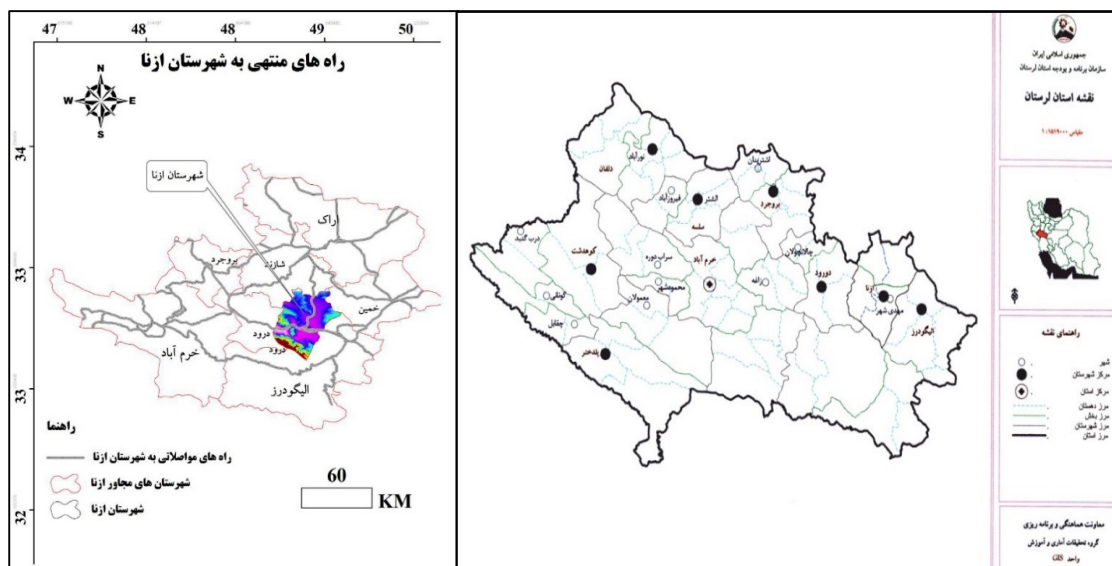
موقعیت جغرافیایی شهرستان ازنا و قلعه قلادز

شهرستان ازنا در شرق و شمال شرق استان لرستان، در غرب کشور ایران واقع گردیده است و از شرق به شهرستان‌های الیگودرز و خمین، از شمال به شازند، از غرب به درود و از قسمت جنوب و جنوب غرب به اشترانکوه که از رشته کوه‌های زاگرس است محدود می‌گردد (شکل ۱). این شهرستان از دو بخش به نام‌های مرکزی و جاپلق و چهار دهستان به نام‌های پاچه

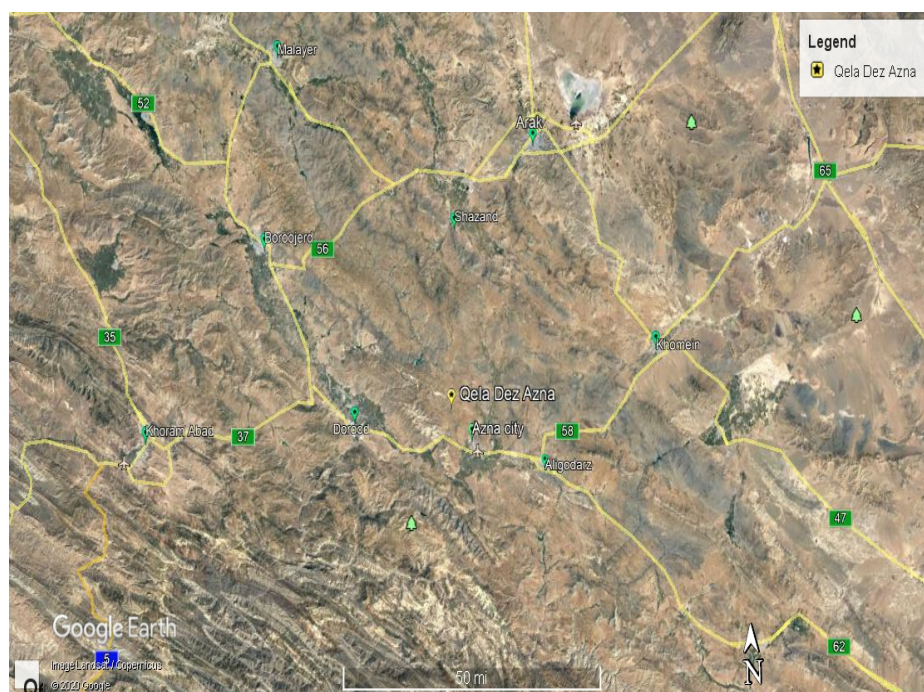
^۱. لازم به ذکر است که قلادز در قرون اولیه و میانه دوران اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته که در این نوشتار به آن پرداخته نشده است.

^۲. این پژوهش با حمایت بنیاد ملی علم ایران (INSF) با شماره طرح مصوب ۹۹۰۲۸۴۶۱ انجام گردیده است.

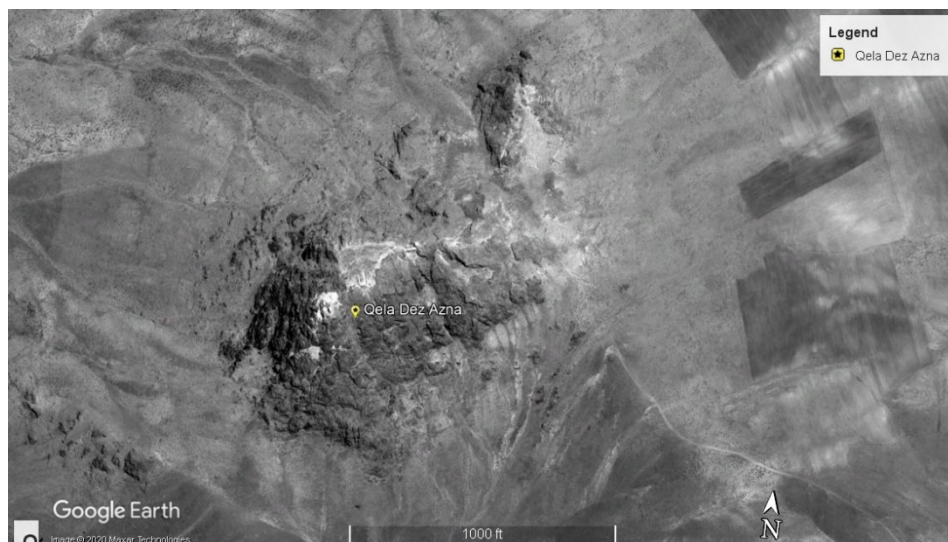
لک غربی، سیلاخور شرقی و جاپلق غربی و شرقی تشکیل شده است (بدیعی، ۱۳۷۲: ۴۹؛ معتمد، ۱۳۸۳). قلعه قلادز در بررسی‌های صورت گرفته ازنا شناسایی نشده و در گزارش‌های موجود اشاره‌ای به آن صورت نگرفته است و طی بررسی باستان‌شناسی که توسط نگارندگان در سال ۱۳۹۹ صورت گرفت، این قلعه شناسایی گردید. قلعه قلادز (N 371119.37.16, E 350211.85, H 2160 m) در ۱۰ کیلومتری شمال غربی ازنا در بخش جاپلق، میان سه روستای چشمه درگاه، مسعودآباد و زرنان، در مرکز دشت ازنا بر روی یک پشته طبیعی واقع شده است و وسعت این محوطه بیش از ۱۰۰ هکتار تخمین زده شده است. ساختارهای اصلی قلعه در ارتفاع ۲۲۰ متری بالاتر از زمین‌های اطراف بر روی پشته طبیعی ایجاد گردیده است (شکل ۲).



شکل ۱- موقعیت استان لرستان، شهرستان ازنا و مسیرهای ارتباطی منتهی به آن



شکل ۲- موقعیت قرارگیری قلادز ازنا (Google Earth, 2020)



شکل ۳- عکس ماهواره‌ای قلادز ازنا، لرستان، دید از جنوب (Google Earth, 2020)



شکل ۴- قلادز ازنا، لرستان، دید از شرق

یافته‌های پژوهش

قلعه قلادز دارای شیب تند و صخره‌های مرتفعی است که دسترسی به آن را دشوار نموده است. وسعت و پلان قلادز باتوجه به ویژگی‌های فضایی و مکانی آن، متناسب با توپوگرافی پشته طبیعی ایجاد شده است. جهت ساخت این قلعه از ترکیب مصالح سنگ (با ملات ساروج)، آجرهای مربع شکل و تراشیدن صخره‌ها با کاربری‌های مختلف (راه پلکانی و صاف، دیوار، حجاری و ...) استفاده گردیده است. قلادز در راستای شمال غربی-جنوب شرقی ساخته شده و موقعیت آن از لحاظ دیده بانی بسیار حائز اهمیت بوده؛ زیرا تا دوردست اشراف کاملی بر دشت و رویدادهای پیرامون خود داشته است (شکل ۴-۳). از نام و پیشینه ساخت قلادز، در منابع مکتوب اطلاعاتی در دسترس نیست و ساکنان محلی این قلعه باستانی را قلادز می‌نامند و از این رو به همین نام، ثبت و مستندنگاری گردید. قلادز در یک موقعیت استراتژیک بنا گردیده و بر مسیرهای ارتباطی اصلی و دشت ازنا مشرف است. در بررسی باستان‌شناسی که در آن صورت گرفت، یافته‌های باستانی فراوانی ازجمله بقایای معماری، داده‌های

سفالی، استخوانی و سنگی ادوار زمانی پارت/ساسانی و دوران اسلامی شناسایی گردید که در ادامه مختصری به شواهد دوران تاریخی آن پرداخته‌ایم.

سازه‌ها: سازندگان قلعه قلادز با استفاده بهینه از فرم و شیب پشته صخره‌ای موجود، با ترکیب مصالح مختلف و تراشیدن صخره‌ها آثار معماری متنوعی را ایجاد نموده‌اند که در گذر زمان هنوز بسیاری از آنها پابرجا هستند و اهمیت این قلعه را بازگو می‌کنند. ازجمله مهمترین آثار معماری باقیمانده، می‌توان به مسیرهای ارتباطی، دیوارها، برج دیدبانی، سازه‌های مختلف با سنگ و ساروج و خشت اشاره نمود (شکل ۶-۵). در بخش مرتفع قلادز با ترکیب سنگ و ساروج، آجر مربع شکل (۱۰×۴۰×۴۰ و ۱۰×۳۵×۳۵ سانتیمتر) و تراش صخره‌ها، یک سازه معماری شاخص با پلان مستطیل در ابعاد ۴۵×۱۰ متر ایجاد گردیده که بخش‌هایی از دیوارهای آن به عرض ۱.۵ متر و ارتفاع ۳ متر هنوز پابرجا هستند. از روی باقی‌مانده بخش‌هایی از سازه، سقف آن احتمالا به صورت تاق قوس‌دار ایجاد شده است (شکل ۷). ضلع شمالی این سازه، صخره است و سه ضلع دیگر از ترکیب مصالح مذکور ایجاد گردیده‌اند و در درون دیوار شرقی نیز تاقچه‌هایی به ابعاد تقریبی ۲۵×۲۵×۳۰ سانتیمتر وجود دارد. با ادامه مسیر به سمت رأس قلادز، متأسفانه حفاری‌های غیر مجاز زیادی را می‌توان مشاهده نمود، در این چاله‌های حفاری، سازه‌های مختلفی قابل شناسایی هستند. در جهت جنوب شرقی سازه یاد شده، در فاصله تقریبی ۵۰ متری، شواهد سازه دیگری شناسایی گردید. در امتداد بخش‌هایی از دیوارهای این سازه، حفاران غیرمجاز به عمق ۵ متر حفاری نموده‌اند. ۴ متر از این دیوار با سنگ و ساروج و یک متر بالای آن با آجرهای مربع شکل ساخته شده‌اند^۱. سطح دیوارها نیز با ملات گچ پوشیده و صیقلی شده است (شکل ۹-۸).



شکل ۵- پلان سازه‌های قلادز

^۱. ارتفاع و ضخامت دقیق دیوارها هنوز مشخص نیست و نیاز به کاوش علمی دارد.



شکل ۶- سازه های سنگ و ساروجی راس قلادز دید از شرق



شکل ۷- نمای درونی شواهد معماری قلادز با معماری سنگ و ساروج و صخره



شکل ۸- شواهد معماری قلادز، بهره‌گیری از سنگ، ساروج و آجر



شکل ۹- شواهد معماری قلادز، بهره‌گیری از سنگ، ساروج و آجر

مسیرهای ارتباطی: با توجه به آثار باقیمانده و استفاده از تصاویر هوایی می‌توان بیان نمود که سه مسیر برای ورود به این قلعه وجود داشته است. مسیر اصلی در راستای شمال غربی- جنوب شرقی، یک مسیر در ضلع شرقی و مسیر دیگر در ضلع غربی جهت دسترسی به بالای قلعه ایجاد گردیده است. اهداف دفاعی در ساخت این مسیرها مد نظر سازندگان بنا بوده است. این موضوع را می‌توان از ساخت بخشی از راه‌ها در پرتگاه و یا در شیب‌های تند استنباط نمود. ضلع جنوبی این قلعه به صورت صخره‌ای صعب‌العبور است و در این بخش راه ارتباطی وجود ندارد. این مسیرها با تسطیح و تراش صخره‌ها جهت پله‌سازی و احتمالاً با استفاده از سنگ و ساروج جهت کف‌سازی بخش‌هایی از آن‌ها ایجاد گردیده‌اند. پله‌ها در ابعاد و اندازه‌های متنوع (عرض متغیر بین ۱۵۰-۵۰ سانتیمتر) و متناسب با توپوگرافی بخش‌های مختلف قلعه ایجاد شده‌اند (شکل ۱۱-۱۰).



شکل ۱۰- بخشی از مسیر ارتباطی راس قلادز



شکل ۱۱- بخشی از مسیر ارتباطی ضلع شمالی قلادز

برج‌ها: یک برج مدور ساخته شده از سنگ و ساروج در قسمت جنوب شرقی به قطر تقریبی ۸ متر و ارتفاع ۵ متر هنوز باقی مانده است (شکل ۱۲) و بقایای دو برج دیگر نیز در عکس‌های هوایی قابل شناسایی است، متأسفانه این دو برج کاملاً تخریب گردیده‌اند و با انجام کاوش‌های باستان‌شناسی می‌توان وضعیت آن‌ها را مشخص نمود.



شکل ۱۲-برج مدور قلادز (دید از جنوب شرق)، سمت چپ (دید از جنوب)

دیوار دفاعی: در بررسی سطحی انجام شده در جبهه جنوب شرقی قلعه بخشی از دیوار با ارتفاع باقی مانده ۵ متر و طول ۳۰ متر و در جهت غربی نیز ۱۵ متر از دیوار در جهت شرقی باقی مانده است (شکل ۱۳). این دیوارها نیز همانند اغلب سازه‌های این قلعه، از سنگ و ساروج ساخته شده‌اند.



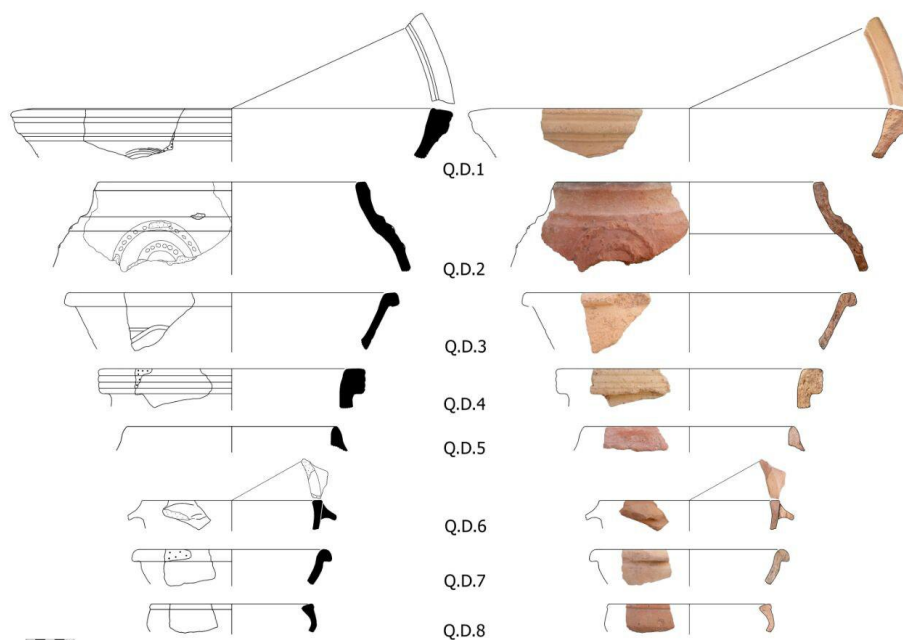
شکل ۱۳- بخشی از شواهد مربوط به بقایای دیوار قلادز با مصالح سنگ و ساروج.

سایر آثار: علاوه بر سازه‌های یاد شده، حجاری‌ها و فضاهای دایره‌ای شکلی نیز در صخره‌های این قلعه باستانی ایجاد شده که در حال حاضر کاربرد آن‌ها نامشخص است. از طرفی بواسطه تخریب حاصل فعالیت مکرر حفاران غیر مجاز^۱ در منطقه، در بخش‌هایی از قلعه، شاهد نمایان شدن شواهد معماری مختلف و بقایای استخوانی انسانی نیز هستیم.

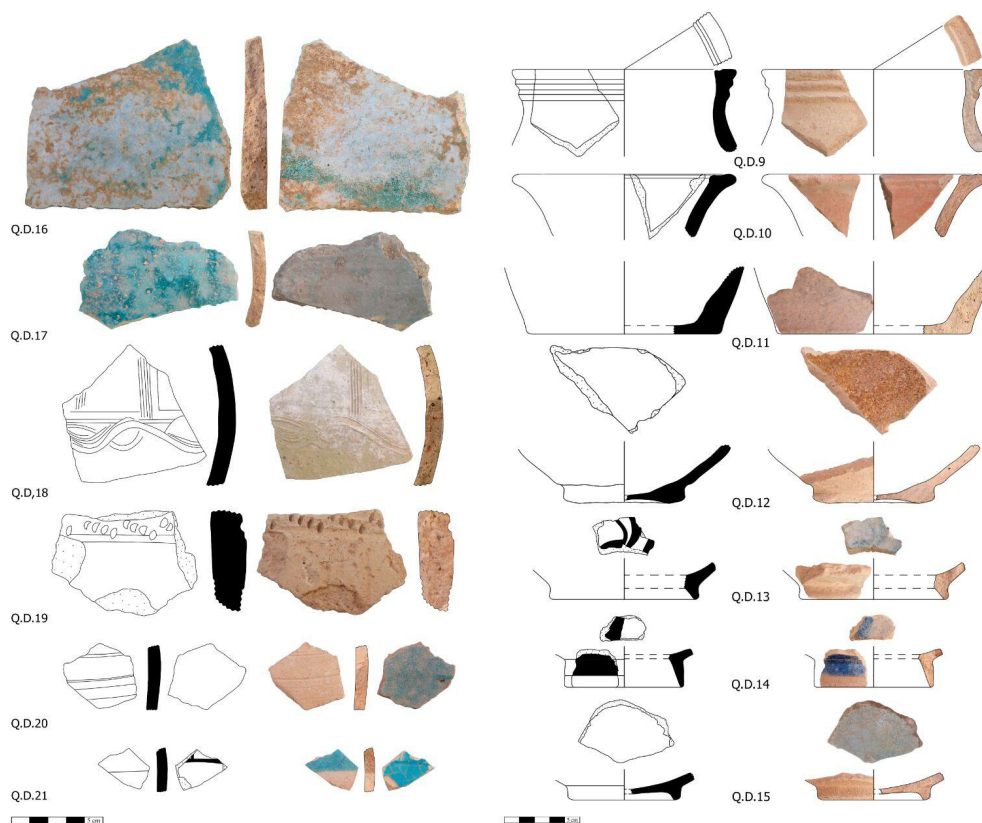
یافته‌های سفالی: طی بررسی‌های انجام شده در قلعه قلادز، قطعات سفالی متعددی شناسایی و جمع‌آوری گردید که بر اساس نوع قطعه و فرم گروه کاسه، کوزه، پیاله و خمره تقسیم می‌شوند. این سفال‌ها عمدتاً چرخساز با شاموت کانی، دارای بافتی منسجم و پخت کافی و مناسب هستند. خمیره اغلب آن‌ها نخودی رنگ است. رنگ سطوح داخلی و خارجی آن‌ها نیز در طیف‌های مختلفی هم‌چون نخودی، نارنجی، قهوه‌ای و به ندرت خاکستری مشاهده می‌شود. اغلب قطعات بدون لعاب بوده اما چندین نمونه لعاب‌دار نیز در میان آن‌ها دیده می‌شود. سطح بعضی از قطعات سفالی به صورت فشاری و یا با خطوط کنده موازی، زیگزاگ، موج و نوارهای برجسته تزئین شده‌اند. سفال‌های شاخص دوران تاریخی قلادز ازنا شامل: سفال کم عمق با لبه ساده و شیاری، سفال با لبه‌ی گرد شده و شیاری روی لبه، سفال با لبه نواری، سفال با لبه‌ی سه پر، سفال با لبه‌ی ترکیبی تخت-گرد متمایل به بیرون و شیاری در زیر لبه، سفال با لبه نسبتاً تخت و بدنه‌ای زاویه‌دار، سفال با لبه گرد شده و شیاری اطراف

^۱. متاسفانه حفاری‌های غیرمجاز عامل اصلی تخریب این قلعه باستانی هستند.

آن، کوزه‌هایی با گردنی متمایل به داخل، لبه تخت و یک شیار دور، کوزه گردن‌دار با لبه تخت و یک برجستگی زیر آن، کوزه‌ای با لبه ترکیبی گرد-تخت و برجستگی باریکی زیر لبه، کوزه با لبه قائم یا برگشته به خارج، کوزه‌ای با گردن عمود و لبه چهار پر، کوزه گردن‌داری با لبه ساده متمایل به بیرون، کوزه گردن‌دار با لبه باندی شکل و کوزه‌های بدون گردن هستند به طوری که لبه ظرف بی‌واسطه به بدنه متصل می‌شود (شکل ۱۴-۱۵؛ جدول ۱).



شکل ۱۴- طرح برخی از سفال‌های شاخص قلادز (طراح، نگارنده)



شکل ۱۵- طرح برخی از سفال‌های شاخص قلادز (طراح، نگارنده)

ردیف	نوع	مشخصات	مشابهات
۱	کاسه (لبه) - لبه برگشته با شیارهایی در لبه	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه یزدگرد
۲	خمره (لبه و بدنه) - دارای گردن کوتاه و لبه گرد-دارای تزیین فشاری روی بدنه	نخودی متمایل به نارنجی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	تخت سلیمان، قلعه ضحاک، محوطه ماه نشان دوره اشکانی و ساسانی و قلعه یزدگرد
۳	کاسه (لبه) - لبه برگشته-بدنه زاویه دار-دارای تزیینات کنده موجی روی بدنه	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران، شیرکوه نایین و ماه نشان دوره اشکانی، ثلعه یزدگرد
۴	کوزه (لبه) -گردن قائم با لبه برگشته باندی	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران، شیرکوه نایین و ماه نشان دوره اشکانی
۵	نامشخص (لبه) -لبه تیز و قائم	نارنجی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه یزدگرد
۶	کاسه (لبه) -لبه آویخته	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه یزدگرد، ماه نشان زنجان
۷	کاسه (لبه) - لبه برگشته باندی	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه یزدگرد، ماه نشان زنجان، ضحاک
۸	کاسه (لبه و بدنه) -لبه گرد با بدنه پرانتری	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	بیستون، قلعه ضحاک، شهر قومس، خورمه، شیرکوه نایین و محوطه ماه نشان دوره اشکانی و ساسانی
۹	کوزه (لبه) -گردن بلند با شیارهایی بیرون لبه	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه بختک، بیستون، خورمه، قومس، دهلران، قلعه ضحاک و محوطه ماه نشان دوران اشکانی
۱۰	کوزه (لبه) -گردن بلند زاویه دار	نخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	قلعه یزدگرد، ماه نشان زنجان
۱۱	کاسه (کف) - کف تخت با بدنه زاویه دار	نخودی-پوشش گلی غلیظ-چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت خشن	دهلران و قلعه یزدگرد، ماه نشان زنجان
۱۲	کاسه (کف) -با کف کمی مقعر و بدنه زاویه دار	مغزنخودی- دارای پوشش لعاب برنگ اخراپی در داخل ظرف -چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران و قلعه یزدگرد

۱۳	کاسه (کف) - کف رینگی	مغزنخودی-دارای لعاب سفید و لاجوردی در داخل ظرف- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران و قلعه یزدگرد
۱۴	کاسه (کف) - کف رینگی با پایه بلند	مغزنخودی-دارای لعاب لاجوردی در بیرون و داخل ظرف- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران و قلعه یزدگرد
۱۵	کاسه (کف) - کف رینگی با پایه بلند	مغزنخودی-دارای لعاب آبی روشن در یک طرف قطعه- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	دهلران و قلعه یزدگرد
۱۶	نامشخص (بدنه)	مغزنخودی-دارای لعاب آبی فیروزه ای در دو طرف قطعه- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت متوسط	ماه نشان و جنوب ایران و بین النهرین
۱۷	نامشخص (بدنه)	مغزنخودی-دارای لعاب آبی فیروزه ای در دو طرف قطعه- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت ظریف	ماه نشان و جنوب ایران و بین النهرین
۱۸	نامشخص (بدنه) - دارای تزیین کننده خطوط موجی و موازی	مغزنخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی- شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت ظریف	شاخص قلادز
۱۹	نامشخص (بدنه) - دارای تزیین فشاری بصورت نقاط تکرارشونده	مغزنخودی-پوشش گلی رقیق-چرخساز-پخت کافی- شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت خشن	شاخص قلادز
۲۰	نامشخص (بدنه)	مغزنخودی-پوشش لعاب آبی روشن در یک طرف قطعه- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت ظریف	ماه نشان و جنوب ایران و بین النهرین
۲۱	نامشخص (بدنه)	مغزنخودی-پوشش لعاب آبی فیروزه ای در دو طرف قطعه- چرخساز-پخت کافی-شاموت ترکیبی-کیفیت ساخت ظریف	ماه نشان و جنوب ایران و بین النهرین

جدول ۱- جدول توصیفی تطبیقی گونه‌شناسی یافته‌های سفالی قلادز

بحث و گاهنگاری نسبی

محدوده زاگرس مرکزی در غرب ایران، در ادوار مختلف باستانی جایگاه ویژه‌ای داشته است و پارتها و ساسانیان نیز به اهمیت این منطقه واقف بوده‌اند و به شیوه‌های مختلف سعی در کنترل آن داشته‌اند. حاکمان این ادوار با تامین امنیت و توسعه راه‌ها (جاده معروف ابریشم و سایر مسیرها) در محدوده قلمروشان، نقشی مهم در ارتباط بین شرق (هند و چین) و غرب (روم) جهان باستان ایفا نموده‌اند و فراوانی قلعه‌های مختلف در قلمرو این حکومت‌ها نیز دلیلی بر تایید این موضوع است. از طرفی، گسترده‌ی قلمرو، گوناگونی سنت‌های مردم، مراودات اقتصادی-فرهنگی یا تنش‌های سیاسی با سایر حکومت‌ها نظیر سلوکیان، رومیان، کوشانیان و... به همراه تنوع استفاده از مواد و مصالح مختلف، سبب پدید آمدن سبک‌ها و سنت‌های گوناگونی در معماری در ادوار مذکور گردیده است (کالج، ۱۳۸۰: ۱۰۳-۱۰۱). به طور کلی قلعه‌های دوران پارت و ساسانی را برحسب موقعیت قرارگیری شان می‌توان به دو گروه کوهستانی و دشتی تقسیم بندی نمود. بیشتر این قلاع بر روی تپه‌های مصنوعی یا ارتفاعات بنا شده و دارای تأسیسات دفاعی بسیار مستحکمی نظیر دیوارهای عظیم، خندق، برج و باروها و... هستند (کلایس، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۶۹؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۳۳). قلادز ازنا به عنوان یکی از قلعه‌های کوهستانی با موقعیت قرارگیری مناسب و یافته‌های شاخص، در شرق زاگرس مرکزی در محل تلاقی راه‌های باستانی غرب به شرق (مسیر فلات مرکزی ایران به بین

النهرین و عربستان) یا جنوب به شمال و بلعکس، بر روی ارتفاعی بلند با پلان نامظم (متناسب با توپوگرافی بستر صخره‌ای) و وسعت قابل توجه ایجاد گردیده است. قرار گیری قلادز در مسیر جاده مذکور، بر اهمیت این منطقه در مطالعات باستان‌شناسی می‌افزاید و حاکی از توجه این حکومت‌ها به دشت ازنا است (شکل ۱۶-۱۷). نگارندگان در گام اول با معرفی و مستندنگاری قلادز سعی داشته‌اند تا زمینه پژوهش‌های دیگر از زوایای مختلف را برای محققین فراهم نمایند و از طرفی با گونه‌شناسی سفال‌ها و بقایای معماری این قلعه و همسنگی با سایر مناطق تاریخگذاری نسبی برای این محوطه ارائه دهند. معیار گونه‌شناسی نسبی در سفال‌ها براساس فرم، نقش و تکنیک ساخت استوار بوده و در معماری نیز به سبک و مصالح سازه‌ها توجه گردید. به طور کلی با توجه به گاهنگاری زاگرس مرکزی و بر اساس گونه‌شناسی با محوطه‌های مختلف، بخشی از سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه‌ها قابل قیاس با نمونه‌های دوره‌های پارت- ساسانی بوده و سازه‌های معماری نیز با سایر قلعه‌های ادوار مذکور قابل مقایسه هستند. گونه‌شناسی با مقایسه آثار دوران مذکور در ایران و بین‌النهرین (عراق کنونی) انجام گردیده که در جدول ذیل آورده شده است (جدول ۲).



شکل ۱۶- اشراف قلادز به دشت ازنا، دید در جهت جنوب



شکل ۱۷- اشراف قلعه قلادز بر دشت ازنا، دید از رأس تپه به سمت شمال

جدول ۲- محوطه‌های مورد مقایسه جهت گونه‌شناسی یافته‌های سفالی و معماری قلادز

ردیف	منطقه	محوطه دربرگیرنده	منبع
۱	فلات مرکزی	شهر قومن	هرینک، ارنی. ۱۳۷۶. سفال ایران در دوران اشکانی، حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور.
		خوره	رهبر، مهدی. ۱۳۸۲. سومین فصل کاوش های باستان شناسی خوره. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی، مدیریت میراث فرهنگی استان مرکزی: پازینه
		آتشکوه	رهبر، مهدی. ۱۳۷۷. گزارش منتشر نشده کاوش های باستان شناسی آتشکوه، آرشیو پژوهشگاه باستان شناسی.
		شیرکوه نابین	باغ شیخی، میلاد؛ اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل؛ خسروزاده، علیرضا؛ حاجی محمد علیان، علمدار. ۱۳۹۸. درآمدی بر شناخت شناسی سفالهای ساسانی و اسلامی محوطه شیرکوه نابین، فالت مرکزی ایران. نشریه مطالعات باستان شناسی پارسه، شماره ۱۰، سال سوم، زمستان ۱۳۹۸.
۲	شمال غرب و غرب	ماه نشان	خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل. ۱۳۸۳. توصیف، طبقه بندی و تحلیل گونه شناختی سفالهای دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه نشان (زنجان). مجموعه مقالات باستان شناسی شمال غرب ایران. به کوشش: مسعود آذرنوش، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
		قلعه بختک	عبدی، سرور. ۱۳۹۴. درآمدی بر گاهنگاری نسبی محوطه های ساسانی آذربایجان شرقی با تاکید بر قلعه بختک. دومین همایش ملی باستان شناسی ایران- آبان ماه ۱۳۹۴.
		تخت سلیمان	هنینگ فون دراوتسن، هانس، ناومان، رودلف (۱۳۷۳). تخت سلیمان، برگردان: فرامرزنجد سمیعی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان میراث فرهنگی کشور
		قلعه ضحاک	کبیری، احد (۱۳۸۳). بررسی سفالهای اشکانی قلعه ضحاک، پایان نامه کارشناسی ارشد
		قلعه یزدگرد	نظری، سامر. ۱۳۹۲. مطالعه و گونه شناسی سفالهای اشکانی بدست آمده از کاوشهای قلعه یزدگرد و دشت سرپل ذهاب. پایان نامه کارشناسی ارشد.
		دهلران	خانمرادی، امیر. ۱۳۹۹. گونه شناسی سفالهای دوره ساسانی شهرستان دهلران مورد مطالعه: مناطق زرین آباد و میمه (فصلنامه علمی تخصصی باستان شناسی، سال چهارم، شماره شانزدهم)
		بیستون	علیزاده، کریم. ۱۳۸۲. معرفی سفالهای دژ مادی بیستون، کرمانشاه_ کاوش ۱۳۸۱. گزارشهای باستان شناسی (۲)، پژ. هشکده باستان شناسی.

نتیجه گیری

قلادز ازنا نیز به عنوان یکی از قلعه‌های کوهستانی با موقعیت قرارگیری مناسب و یافته‌های شاخص، در شرق زاگرس مرکزی در محل تلاقی راههای باستانی غرب به شرق و جنوب به شمال و بلعکس، بر روی ارتفاعی بلند با پلان نامظم (متناسب با توپوگرافی بستر صخره‌ای) و وسعت قابل توجه ایجاد گردیده است. از ویژگی های معماری قلعه قلادز میتوان به مواردی چون ساختار پلان و نقشه کلی این قلعه که براساس توپوگرافی طبیعی پشته صخره‌ای در نظر گرفته شده اشاره کرد، همچنین بقایای دیوارها و ساختارهای معماری نظیر برج و بارو و دیوارهای مستحکم سنگ و ساروجی از ویژگی های مشترک قلاع دوران پارت و ساسانی در قلمرو تحت حاکمی است. از طرفی مصالح بکار رفته همچون جنس سنگ های بکاررفته در ساخت استحکامات و دیوارها و شیوه متفاوت اجرای برخی ساختارها مانند تاق زنی استفاده شده‌میتوان نتیجه گرفت سازندگان این قلعه با استفاده از مصالح بوم آورد و استفاده بهینه از بستر طبیعی آن، با اهمیت دادن به فاکتورهایی نظیر موقعیت استراتژیک (در مرکز دشت) و مشرف بودن بر مسیر باستانی، قرارگیری بر روی ارتفاعی صعب العبور، دسترسی به زمین قابل کشت و منابع

آبی زمینه شکل‌گیری و توسعه قلادز را فراهم نمودند. به طور کلی، بر اساس ساختار معماری و گونه شناسی سفال‌های قلادز، با آثار پارت/ساسانی بدست آمده از مناطق و محوطه‌هایی در ایران (شوش خوزستان، بیستون و قلعه یزدگرد کرمانشاه، تل ملیان فارس، ماه‌نشان زنجان، در منطقه سیستان در جنوب شرق ایران)، در بین‌النهرین یا عراق کنونی (سلوکیه، کوخه، تل ابوشریفه، محوطه روستای خرابه) قابل قیاس است و می‌توان بازه زمانی پارت و ساسانی را برای استقرار دوران تاریخی این قلعه پیشنهاد داد. قلادز در نزدیکی یکی از مسیرهای تجاری اصلی شرق به غرب (مرتبط با جاده ابریشم) در مرکز این دشت واقع گردیده است. همچنین وسعت قابل توجه این قلعه و محل قرارگیری آن در مرکز دشت ازنا و مجموعه سازه‌ها و بقایای شناسایی شده، کاربری قلعه شهر را برای قلادز مطرح می‌سازد. این قلعه شهر با توجه به موارد مطرح شده، پتانسیل بالایی جهت استفاده به‌عنوان قلعه ای حاکم نشین در منطقه ازنا را داراست و می‌توان این محل را مقری حاکمیتی در نظر گرفت. با توجه به آثار و موضوعات بیان شده، به نظر می‌رسد قلادز یکی از قلعه‌های نظامی-حاکمیتی مهم دشت ازنا در دوران پارت/ساسانی بوده و در ایجاد امنیت و حفاظت از راههای باستانی در راستای توسعه تجارت منطقه ای و فرمانطقه ای نقش پر رنگی ایفا نموده است.

کتاب نامه

۱. احمدی‌نژاد، هادی، ۱۳۸۶، نامه جاپلق و شهرهای هم‌جوار (خوانسار، خمین، ازنا، الیگودرز، اراک، گلپایگان، بروجرد)، تهران: انتشارات آموزش کشاورزی، صص ۴۵-۱۵.
۲. بدیعی، ربیع، ۱۳۷۱، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، تهران: انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ص ۴۹.
۳. حسینی سربیشه، بهزاد، ۱۳۹۵، گزارش گمانه‌زنی تپه قلعه خرابه ازنا، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۴. حسینی سربیشه، بهزاد، ۱۳۹۸، گزارش کاوش نجات بخشی تپه کوی کیوان ازنا، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۵. دیاکونوف، م، ۱۳۵۱، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، چاپ دوم.
۶. عبدالهی، مصطفی، ۱۳۸۶، گزارش توصیفی، مقدماتی فصل دوم و سوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان ازنا، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۷. عبدالهی، مصطفی، ۱۳۸۸، گزارش کاوش فصل اول قلاگپ شهرستان ازنا، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۸. عبدالهی، مصطفی، نیکنامی کمال‌الدین، حصاری مرتضی و سرداری زارچی علیرضا، ۱۳۹۳، «روستان‌شناسی و تغییرات فرهنگی جوامع شرق زاگرس مرکزی: کاوش باستان‌شناختی تپه قلاگپ»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۶۷-۸۵.
۹. علیزاده، کریم، ۱۳۹۸، پروژه های مرزی ساسانی: تلاقی سیاست تهای داخلی و خارجی، «آفرین نامه»، به کوشش: یوسف مرادی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص ۳۰۲-۲۹۱.
۱۰. فون دراوستن، هانس هنینگ و رودلف ناومان، ۱۳۷۳، تخت سلیمان، فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی.
۱۱. قاسمی، پارسا، ۱۳۸۹، معرفی سازه های موسوم به تل خندق در قلمرو فارس باستان، باستان‌شناسی ایران، شماره ۱.
۱۲. دهگان، ابراهیم، ۱۳۸۶، تاریخ اراک، تهران: نشر زرین و سیمین، صص ۶۶-۶۱.
۱۳. کالج، مالکوم، ۱۳۸۰، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: نشرهیرمند.
۱۴. کلایس، ولفرام، ۱۳۸۳، قلاع در معماری ایران دوره اسلامی، گردآوری محمدیوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ ۳.
۱۵. گاراژیان، عمران، جواد جعفری و علی هژبری، ۱۳۸۹، «گزارش پژوهش های باستان شناسی به منظور مستندسازی ساختارهای معماری تپه قلعه خان؛ با تأکید بر دوره تاریخی»، پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان، صص ۲۰۰-۱۶۱.
۱۶. گیرشمن، رومن، ۱۳۸۰، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم.

۱۷. مازیار، سپیده، ۱۳۹۸، مدیریت فضایی و سیاسی کرانه های جنوب دره ارس در دوره اشکانی، «آفرین نامه»، به کوشش یوسف مرادی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص ۲۱۲-۲۰۳.
۱۸. محمدیان، محمدرضا، ۱۳۹۲، کاوش نجات بخشی تپه رودخانه شرقی گرجی، تهران: بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
۱۹. محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۴، بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی، رساله دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس منتشر نشده.
۲۰. معتمد، احمد، ۱۳۸۳، جغرافیای کوارترنر، تهران: انتشارات سمت، صص ۶۵-۶۰.
۲۱. مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۶، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
۲۲. میرزایی، آزیتا، ۱۳۸۸ الف، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان شیروان، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی منتشر نشده.
۲۳. میرزایی، آزیتا، ۱۳۸۸ ب، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان فاروج، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی منتشر نشده.
۲۴. میرزایی، آزیتا، ۱۳۹۵، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان، شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی مجموعه مقالات کوتاه (۱۳۹۵) به کوشش روح الله شیرازی. جلد اول، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۴۱۶-۴۲۱ (س).
25. Abdollahi, M, Sadri, A, 2008, Archaeological Surveys in the Azna plain, Central Zagros, Iran. 6th International Congress on The Archaeology of the Ancient Near East Sapienza Universita Di Roma.
- Braidwood, Robert J, Howe, B, and Charls Reed, 1961, The Iranian prehistoric project, new problems arise as more learned of the first attempts at food production and settled village life, Science, 133: 2008- 2010.
26. Bergamini, G, 1987, Parthian Fortifications in the Mesopotamia, Mesopotamia, No. 22, pp: 194-214.
27. Bousharlat, M, Lecomte, O, 1987, Fouilles De Tureng Tepe. Les Périodes Sassanides Etislamiques, Paris: Crns.
28. Ghanimati, S, 2000, New Perspectives on the Chronological and Functional Horizons of Kuh-e Khwaja in Sistan, Iran, vol. 38, pp.137-150.
29. Heremann, G, Kurabnsakhatov, K, 1994, The International Merv Project, Preliminary Report on the Second Season (1993). IRAN, No. 32, Pp: 53-75.
30. Howell, R, 1979, Survey of the Malayer Plain, Iran, XVII.
31. Huff, D, 1987, Architecture II. Sassanian Period, Encyclopaedia Iranica, vol II, Routledge & Kegan Paul, London and New York, pp. 329-334.
32. Huff, D, 2005, From Median to Achaemenian Palace Architecture, Iranica Antiqua, vol. XL. pp. 371-395.
3. Keall, E, Keall, M. J, 1981, The Qal'eh Yazdgird Pottery: A Statical approach, IRAN, No. 19, Pp: 33-80.
34. Kiani, M. Y, 1982, Parthian Sites in Hyrcania, the Gurgan Plain. Berlin: Ditrich Reimer Verlag.
- Pullar, J, 1970, Tape Abdollhosein. Iran, No. VIII: pp. 198-200.
35. Reuther, Oscar, 1939, Sasanian Architecture, in "A survey of Persian art", ed by Arthur Upham Pope, vol(2) oxford university Prss, pp. 493-578.
36. Ricciardi, V, 1980, Archaeological Survey In The Upper Atrak Valley (Khorassan, Iran): Preliminary Report". Mesopotamia, No. 15. Pp: 51-71.
37. Stein, Sir Aurel, 1940, Old Routes Western Iran, London.
38. Smith, P, 1972, Survey and Excavations of Iran, During 1970-1971. Iran. Vol X: pp. 165-169.
39. Smith, P, 1975. Ganj Dareh Tepe, Iran, XIII: pp. 179-180.
40. Young, C, 1966, survey in western Iran, 1961. Journal of Near Eastern studies, pp. 228-39.
- Young, C, 1969, Excavations at Godin Tepe: First Progress Report, Occasional paper 17 Art and Archaeology, Royal Ontari Museum (ROM) Toronto.
41. Young, C, Louis, L, 1974, Excavations at Godin project: second progress report. Occasional paper, No. 26, Royal Ontarian Museum of Art and Archaeology, Toronto.